

واکاوی و نقد بوروکراسی حاکم بر مجلات علمی پژوهشی علوم انسانی ایران، از نگاه یک پژوهشگر

کاظم استادی^۱

چکیده:

بوروکراسی در انواع نظام‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی ایران، رسوخ سریع داشته است. یکی از این نظام‌ها که درگیر مفهوم و مصداق بوروکراسی واقع شده است، نظام پژوهشی ایران، و البته مهم‌ترین زیرساخت آن، یعنی مجلات پژوهشی هستند. جدا از مزایای این نوع بوروکراسی، به نظر می‌رسد که این وضعیت، معایب یا مشکلاتی را نیز با خود به ارمغان آورده است؛ که عدم توجه به آنها، می‌تواند موجب افسردگی یا انحراف مسیر توسعه علمی کشور شود. اکنون، از جنبه‌های متنوع و مختلفی، مشکلاتی در روند پذیرش و داوری و انتشار مجلات پژوهشی ایران، و مخصوصاً در عدم هماهنگی و یکپارچگی نشریات علمی در شیوه‌نامه‌های مقالات وجود دارد. در این مقاله ضمن طرح برخی از این مشکلات و پیشنهادات پیرامون آنها، توجه داده شده که طی بررسی‌ها و تحقیقاتی، مشکلات پیش‌روی نویسندگان و پژوهشگران و پیشنهادات آنها جمع‌آوری و احصاء شوند، و در ساختار و روند پذیرش و داوری و انتشار نشریات، لحاظ گردند.

واژگان کلیدی: نشریات علمی پژوهشی، ارزیابی، چاپ مقالات علمی، مقالات پژوهشی، منافع

ملی

^۱ - پژوهشگر مطالعات اسلامی

واژه بوروکراسی، که افزون از یک قرن بر آن می‌گذرد، به صورت یکی از مفاهیم دانش اداری و سیاسی روز درآمده است. مفهوم بوروکراسی، که به سازمان‌های بزرگ یا مظاهر و آثار آن اطلاق می‌شود، در واقع، معلول پیشرفت‌های صنعتی، اقتصادی و سیاسی است.

مدل ایده‌آل بوروکراسی، الگوی خود را بر اساس پرداختن به نوعی سازمان که دارای اقتدار قانونی - منطقی، بنا نهاده است؛ یعنی، بوروکراسی به عنوان یک نظام فوق‌العاده موفق در جهت سازمان‌دهی مؤسسات اداری و خدماتی معرفی شده است. (نک: نجف بیگی، ۱۳۹۸: ۲۴) اختلاف بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، در استفاده از بوروکراسی در آن است که، در کشورهای پیشرفته، بوروکراسی توانسته موجب پیشرفت و دگرگونی جامعه آنها شود، ولی در کشورهای در حال توسعه و سنتی، به عاملی بازدارنده و دست و پاگیر، بدل شده است. علت این وضعیت این است که، استفاده از سازمان‌های بزرگ، متناسب با پیشرفت و تحول در اقتصاد و صنعت کشورهای عقب مانده یا سنتی نیست؛ و در رشد بوروکراسی و سایر اجزای نظام اجتماعی، هماهنگی مورد نیاز، حفظ نشده است.

بوروکراسی در ایران، چالش‌هایی را به دنبال داشته است؛ که بیشتر نظام مدیریت اداری به عنوان خرده نظام سیاسی، شدیداً از این نظام تأثیر پذیرفته است. مدیران و کارکنان از جایگاه و منزلت واقعی خود فاصله دارند، سوگیری سازمان‌های اداری بیش از آنکه به سمت تولید در مفهوم عام باشد، به سوی هدف‌های کلی و غیرقابل سنجش پیش می‌رود؛ و به شایسته سالاری در نظام اداری ایران کمتر توجه شده است. مدیران، اغلب ارزش‌های فردی خود را به سازمان منتقل می‌کنند، و تمایل به خودمختاری و قدرت طلبی میان سازمان‌های مختلف، اعتماد عمومی را نسبت به این سازمان‌ها و اهمیت بوروکراسی کاهش داده است. (نک: جمالی نسب، ۱۳۹۸)

بوروکراسی در انواع نظام‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی ایران رسوخ سریع داشته است. یکی از این نظام‌ها که درگیر مفهوم و مصداق بوروکراسی واقع شده است، نظام پژوهشی ایران است؛ و البته مهم‌ترین زیرساخت نظام پژوهشی کشور، مجلات علمی - پژوهشی آن هستند.

تا پیش از ایجاد دولت الکترونیک، بوروکراسی مشخصی در میان مجلات وجود نداشت؛ و اساساً مجلات علمی - پژوهشی در کشور وجود نداشتند تا بخواهند در سیر فعالیت خود، بوروکراسی داشته باشند. مقالات اولیه در نشریات، نامه‌ها بودند که توسط یک نویسنده به رشته تحریر در آمده و غالباً همزمان چندین موضوع علمی را مورد پوشش قرار می‌دادند. مقالات بعدی، گزارش‌های پژوهشی بودند که معمولاً به شکل توصیفی و بر اساس ترتیب زمانی به رشته تحریر در می‌آمدند.

به مرور زمان، دسته دوم مقالات رشد نمود و کم‌کم، شیوه استانداردی برای نگارش مقالات

علمی تعریف شد. در این شیوه، ابتدا بخش روش‌ها به ساختار مقالات علمی اضافه شد و به مرور، ساختاری به شکل «تئوری - تجربه - بحث» در نگارش مقالات علمی شکل گرفت؛ و این ساختار از حدود ابتدای دهه ۸۰، تحول بیشتری را به منظور استاندارد شدن شاهد بود، و برخی پژوهش‌ها نیز در همان دوران و پس از آن (بعنوان نمونه نک: پاشایی زاد، ۱۳۹۰؛ آجیلی، ۱۳۹۶)، این تحولات را تأکید می‌کرد؛ و نشان داد که کیفیت ساختاری در برخی بخش‌های مقالات دارای اشکالات فراوانی است، و شیوه تدوین و تنظیم مقالات بر اساس دستورالعمل‌های علمی، یکی از عواملی است که بر کیفیت ساختاری مقالات تأثیر می‌گذارد؛ و آشنایی بیشتر نویسندگان با اصول مقاله‌نویسی و دقت و توجه ویراستاران در بازبینی بخش‌های مختلف مقالات، ضروری به نظر می‌رسد. (بعنوان نمونه نک: نوکاریزی، ۱۳۹۳)

سرانجام از دهه نود، ساختار IMRaD^۱ به شیوه استاندارد مقاله‌نویسی در مجلات معتبر ایران، تبدیل گردید. به عبارت دیگر، همزمان توسعه ایران و ایجاد دولت الکترونیک^۲ و به واسطه آن، و نیز تصمیم به ساماندهی و نظام‌مندی مجلات، «بوروکراسی الکترونیک» در میان مجلات علمی - پژوهشی، شکل گرفت؛ که شامل نشریات دانشگاهی و حوزوی می‌شود.

در سال ۱۳۹۰ش اولین بار آئین‌نامه^۳ نشریات علمی کشور تدوین و ابلاغ شد؛ و در بهمن ۱۳۹۸ آئین نامه جدید به واسطه رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشگاه‌ها به نشریات زیرمجموعه‌شان، با اهداف زیر ابلاغ شد: ۱. نظارت و ارتقای کیفی و استانداردسازی نشریات علمی. ۲. کمک به حضور نشریات علمی داخلی در نمایه‌های بین‌المللی ۳. افزایش نقش نشریات در ارتقای بهره‌وری و کاربردی شد دستاوردهای پژوهشی کشور. ۴. افزایش رقابت سازنده میان نشریات در راستای بهبود کیفیت انتشارات علمی (نک: آیین‌نامه نشریات علمی، ۱۳۹۸، مقدمه).

در این آئین‌نامه‌ها، ضوابط متنوع و متعدد برای ورود نشریات به فرآیند ارزیابی نیز برای مجلات تدوین گشت؛ که برخی از آنها عبارتند از:

۱. نشریه دارای وبگاه اختصاصی، فعال و استاندارد باشد به نحوی که کلیه فرآیندهای دریافت، بررسی، داوری، پذیرش و انتشار نشریه، در وبگاه نشریه انجام شود.

۲. نشریه باید دارای فرآیند داوری تخصصی باشد.

۳. از نرم‌افزارهای مشابهت‌یابی برای بررسی مقالات و حصول اطمینان از صحت مالکیت و نداشتن

تشابه با دیگر مقالات استفاده شود و این موضوع به طور رسمی در وبگاه نشریه اعلام شود.

^۱-Introduction, Methods, Results and Discussion.

^۲- دولت الکترونیکی، عبارت از کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات برای ارتقاء کارایی، اثر بخشی، شفافیت تبادلات و تعاملات اطلاعاتی بین دولت‌ها و درون دولت یا جامعه است. برخی از اهداف و مزایای دولت الکترونیکی عبارتند از: کاهش تشریفات دست و پا گیر؛ تأمین رضایت شهروندان؛ افزایش بهره‌وری؛ توسعه مشارکت مردمی؛ شفافیت امور و کاهش رشوه خواری؛ تصمیم‌گیری سریع مبتنی بر اطلاعات.

۴. هر مقاله باید علاوه بر چکیده و کلمات کلیدی به زبان اصلی، دارای چکیده و کلمات کلیدی به زبان انگلیسی نیز باشد.

۵. نحوه استناد درون متنی به منابع (ذکر نام مؤلف و سال انتشار منابع استفاده شده) در تمام مقالات نشریه یکسان و استاندارد باشد.

۶. نحوه نگارش و فهرست منابع در پایان هر مقاله در تمام مقالات از یک الگوی استاندارد برخوردار باشد (نک: آیین‌نامه نشریات علمی، ۱۳۹۸، شرایط نشریه).

در این دوران، مجلات علمی پژوهشی به سرعت در حال رشد بودند؛ و پژوهش‌ها حاکی از آن بود که تعداد نشریات با رشد ۲/۷ برابری روبه‌رو شده؛ به طوری که تا تیر ماه ۱۳۹۴ تعداد ۱۴۵۵ عنوان نشریه علمی معتبر در ایران وجود داشته است؛ و البته بیش از ۹۵ درصد آن‌ها به دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی وابسته بودند. همچنین، وضعیت دسترسی آزاد به متن کامل مقالات نیز، مطلوب شده است. (نک: ورع، ۱۳۹۴)

هر چند که وجود قوانین سخت‌گیرانه ابلاغ شده برای نشریات علمی - پژوهشی، الزاماً در همه موارد و در تمامی نشریات، از سوی پژوهشگران و نیز خود مجلات، رعایت نمی‌شوند؛ به عنوان نمونه برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فقط ۴۰ درصد معیارهای مورد بررسی در راهنمای نویسندگان نشریات علمی - پژوهشی، رعایت شده‌اند. (بعنوان نمونه نک: عباس‌پور، ۱۳۹۵)

طرح مسأله

حدود یک دهه است که در نظام علمی و پژوهشی کشور ایران نیز، بوروکراسی حاکم شده است؛ که یکی از آنها، بوروکراسی در مجلات علمی - پژوهشی کشور است. اکنون قوانین بالادستی و اختصاصی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی و کمیسیون نشریات وزارتین و شورای عالی حوزه‌های علمیه برای مجلات علمی - پژوهشی (دانشگاهی یا حوزوی) ایجاد شده؛ همچنین، معیارهای کلی ارزیابی نشریات علمی برای مجلات تعیین شده که با امتیازهایی محاسبه می‌شوند.

امتیاز	معیارهای کلی ارزیابی نشریات علمی	ردیف
۱۶۰	انتشار به موقع و ضوابط آیین‌نامه نشریات	۱
۱۷۰	داشتن وبگاه استاندارد، زیرساخت‌ها و اطلاعات شناسنامه‌ای نشریه	۲
۲۷۰	رعایت آیین نگارش، ساختار و کیفیت مقالات	۳
۸۰	رعایت فرآیند پذیرش مقالات و داوری تخصصی	۴
۲۳۰	وضعیت نشریه در نمایه‌های استنادی، تخصصی و اجتماعی	۵
۹۰	به کارگیری مقررات و امکانات برای جلوگیری از بروز تخلفات علمی	۶

نشریات علمی در صورت رعایت آئین‌نامه و احراز شرایط مندرج در مواد آن، به فرآیند ارزیابی راه می‌یابند، و پس از بررسی و ارزیابی، رتبه یا امتیاز سالانه آنها تعیین و اعلام می‌گردد. همچنین، رتبه نشریات به صورت خیلی خوب، خوب، متوسط و ضعیف تعیین می‌شود؛ و در صورتی که نشریات رتبه ضعیف کسب کنند، از فرآیند ارزیابی خارج شده و تا دو سال نمی‌توانند به فرآیند ارزیابی کیفی راه یابند. (نک: آیین‌نامه نشریات علمی، ۱۳۹۸، ماده ۶)

این آئین‌نامه و دستورالعمل‌های موازی آن به نشریات، سبب شد نشریات نیز قوانین سختگیرانه‌ای را برای پذیرش و نیز فرآیند انتشار مقالات خود برگزینند؛ و پژوهشگران نیز برای انتشار مقالات خود، ناچار شدند که به این دستورات و قوانین نشریات، تن دهند. جدا از مزایای این نوع بوروکراسی در نظام پژوهشی کشور، به نظر می‌رسد که این رویه، معایب یا مشکلاتی را نیز با خود به ارمغان آورده است؛ که عدم توجه به آنها، می‌تواند موجب افسردگی یا انحراف مسیر توسعه علمی کشور شود.

بنابراین اکنون با وضع و اعمال این قوانین، یک سؤال اصلی، یعنی «آیا بوروکراسی موجود در مجلات، معایبی نیز در ضمن خود ایجاد کرده‌اند؟» و چند پرسش فرعی قابل طرح هستند:

- ۱- آیا بوروکراسی در مجلات علمی - پژوهشی موجب رشد وضعیت پژوهشی می‌شود؟
- ۲- چه پژوهشگرانی، بیشترین صدمه را از بوروکراسی مجلات علمی می‌برند؟
- ۳- آیا می‌توان بوروکراسی را به سمت و سوی رهنمون کرد که امید پژوهشی را در میان محققان افزون کند؟

در مقاله حاضر، به عنوان یک پژوهشگر مستقل که با بسیاری از این مجلات سرکار داشته، به برخی از این ابهامات و مشکلات ایجاد شده در زمینه انتشار مقالات پژوهشگران، به اختصار می‌پردازیم؛ و در ضمن آن، پاسخ پرسش‌های ذکر شده را حتی‌الامکان جستجو می‌کنیم. اما این توجهات به وضعیت مشکلات بوروکراسی را می‌توان در دسته‌بندی‌های متنوعی ارائه داد؛ و ما به خاطر سهولت فهم بهتر این مشکلات، عناوینی را موافق ترتیب سیر انتشار یک مقاله، مطرح و توضیح خواهیم داد.

۱- تنوع سایت مجلات علمی - پژوهشی و برخی از مشکلات آنها

از یک دهه پیش، ایجاد سایت برای مجلات علمی - پژوهشی سرعت گرفت؛ و اکنون، تقریباً تمامی مجلات علمی - پژوهشی سایت دارند. در ابتدا این سایت‌ها، متنوع بود و هر مجله‌ای برای خود به طراحی سایت اقدام نموده بود؛ اما چند سالی است که بیشتر این سایت‌ها یکسان سازی شده‌اند و اکنون مجلات کمی، سایت اختصاصی با طراحی خاص خود دارند و غالب سایت‌ها یکسان و یک شکل با ساختار مشابه هستند.

جدا از برخی مشکلات فنی این سایت‌ها، همانند سرعت عملکرد و یا تقطیع عملکرد، و نیز ضعف در ساختار اطلاع‌رسانی مراحل پذیرش و انتشار توسط ایمیل و ... که گاهی اوقات در برخی از سایت‌ها وجود دارد؛ به معرفی بعضی از مشکلات و تنگناهای این سایت‌ها، بدون ترتیب منطقی می‌پردازیم:

الف. ساختار پژوهش‌ها در رشته‌های مختلف متفاوت است، اما سایت الگو، یکسان طراحی شده است، و گاهی برخی نارسایی‌ها را به نسبت رشته‌های علمی مختلف، در خود جای داده است. همانند: عدم تطبیق برخی آپشن‌ها و منوها در سایت‌ها با رشته‌های مختلف مهندسی و علوم انسانی؛ و از آن سو، برخی تفاوت‌ها در بعضی رشته‌های علوم انسانی با ساختار پژوهش‌های متفاوت از هم. ب. تفاوت میزان حجم بارگذاری مقالات در مجله‌های مختلف، متفاوت است؛ گاهی مقالاتی که دارای جدول و یا تصاویر ضمنی در متن مقاله هستند؛ به راحتی در این سایت‌ها بارگذاری نمی‌شوند؛ و اگر جداگانه بارگذاری شوند، باز جایگذاری آنها در اصل مقاله با خطا و مشکل روبرو خواهد شد. ج. عناوین درج شده در برخی آپشن‌ها و منوهای انتخابی سایت‌ها، گویای تمامی موارد مورد نیاز مخاطبین این سایت‌ها نیست. به عنوان نمونه، در انتخاب موضوع مقاله، محدودیت موضوع یا دسته‌بندی وجود دارد.

د. تفاوت تعاریفی فنی، که صاحبان مجله در پشتیبانی فنی این سایت‌ها اعمال نموده‌اند؛ همانند تعداد کلمات چکیده، که در برخی مجلات ۱۵۰ و برخی بیشتر، و در بعضی دیگر، تا ۲۵۰ کلمه، تعریف شده است. همین وضعیت، نسبت به تعداد کلمات کلید واژه نیز حکمفرماست. ه. یک مشکل فنی مشترک میان تمام سایت‌های مجلات، که به معضلات خط فارسی و بومی - سازی آن با فضای مجازی مربوط می‌شود؛ تعیین تکلیف فاصله و نیم‌فاصله میان برخی کلمات مرکب و شبه‌مرکب است؛ یعنی، شمارش کارکتر آنها در تعداد کلمات چکیده و کلید واژه. به عنوان مثال «می‌کند» اگر با فاصله تایپ شود، به تعداد دو کلمه محسوب خواهد شد؛ و اگر «می‌کند» بدون فاصله تایپ شود، یک کلمه در آمار کلمات، محاسبه می‌گردد.

- مزایا و معایب

وجود سایت، امکان ارتباط آسان و سریع را فراهم می‌نماید؛ و از سوی دیگر، ثبت وقایع در آن، تاریخمند و قانونی می‌گردد. بنابراین وجود سایت بسیار ضروری است. از سوی دیگر، سایت‌ها اگر در طراحی خود همه جوانب امر و احتمالات را آپشن‌ها و منوهای سایت، در نظر نگرفته باشند؛ همین سایت، در مواردی چون هوشمند نیست، مخاطبان و مراجعان را با دردسر مواجه می‌کند؛ و مخاطب در تعامل با سایت، ساعت‌ها وقت و انرژی مصرف می‌کند و به نتیجه نمی‌رسد، و نمی‌تواند در اهداف خود موفق شود.

- پیشنهاد

به نظر می‌رسد که مناسب است یک سایت جامع و البته کامل با در نظر گرفتن تمامی جوانب امر از سوی مخاطب و نشریه، اما مجزا برای هر یک از گروه‌های مهندسی، علوم انسانی، هنر و ... طراحی شود؛ که با توجه نیازهای مشترک، تفاوت‌های گروه‌های پژوهشی را نیز در نظر داشته باشد. همچنین، جدا از توجه و تأمین ارباب مجلات، نقطه نظرات پژوهشگران و مخاطبان این سایت‌ها را نیز مد نظر خود داشته باشند.

۲- قوانین کلی پذیرش مقاله

مجلات علمی - پژوهشی، برخی قوانین اختصاصی برای نشریه خود دارند؛ و تعدادی قوانین عمومی که در بیشتر مجلات مورد توجه قرار دارد؛ به عنوان نمونه، برخی قوانین بالادستی همانند مالکیت فکری و حقوق معنوی؛ و برخی قوانین پایین دستی، همانند: عدم ارسال همزمان مقاله برای چند نشریه. به طوری که برخی از این قوانین، مسائل فقهی مخصوص به خود را طلب نموده است. به عنوان نمونه، طرح مسأله فقهی ارسال همزمان یک مقاله به مجلات مختلف. (نک: استادی، ۱۳۹۸: ۵۲۷)

هم نویسندگان و هم صاحبان نشریات، هر کدام علاقمند به برآورده شدن علایق و خواسته‌های خود هستند؛ و در این میان، گاهی این خواسته‌ها نمی‌توانند با هم، همخوانی پیدا کنند و در تعارضند. از جمله این موضوعات، علاقه مؤلفین به چاپ سریع آثار خود با کمترین وقت و پیگیری هستند. یعنی، از آنجایی که مراحل پذیرش مقالات در مجلات پژوهشی، طولانی مدت است و چندین ماه به طول می‌انجامد، نویسندگان در حالت بلاتکلیفی می‌مانند و چون در بسیاری موارد، پس از گذشت ماه‌ها، ممکن است جواب مجلات نسبت به چاپ مقاله، منفی باشد؛ بنابراین برخی نویسندگان، اقدام به ارسال همزمان مقاله خود به چندین مجله می‌نمایند تا حتی الامکان، مقاله آنها در اسرع وقت، تعیین تکلیف شود و در زمان کمتری، بتوانند ناشری برای چاپ مقاله خود پیدا نمایند.

از سوی دیگر، صاحبان نشریات نیز به دلایلی، علاقمند به مشابه همین خواسته‌ها، برای ارتقاء کیفیت نشریه خود می‌باشند. یکی از مصادیق همین علاقمندی‌های مؤلفین، تسریع در روند انتشار مقالاتشان است؛ و این خواسته آنان، باعث ارسال همزمان یک مقاله به مجلات مختلف می‌باشد. صاحبان نشریات علمی، به دلایلی واحد یا متنوع، همانند: اتلاف وقت و هزینه؛ قدرت انتخاب مقالات بهتر؛ قوانین آیین‌نامه تعیین اعتبار نشریات علمی کشور؛ و از همه مهم‌تر، تکراری شدن مقالات، علاقمند به پذیرش همزمان مقالات نیستند. فرض کنید، نویسنده‌ای قصد سوئی در ارسال همزمان مقاله خود به چند نشریه را ندارد؛ اما اگر در یک دوره، همه آن نشریات، اقدام به انتشار مقاله وی

نمایند؛ موجب انتشار تکراری مقاله می‌شوند. به عنوان مثال، مقاله: «تغییر خط فارسی و تجربه تاجیکستان» در یک سال توسط سه نشریه: «پیام کتابخانه»، «آینده» و «ایران‌شناسی»، منتشر شده است (نک: استادی، ۱۳۹۰: ت)

- مزایا و معایب

بالاخره تعاملات در هر سیستمی نیازمند قوانین کلی و جزئی است؛ که این قوانین روند کار و نتایج آن را سامان می‌بخشد. اما اگر قوانین یک سیستم حاوی رضایت و موفقیت هر دو طرف نباشد؛ این قوانین یا نقض می‌شوند و یا با عدم رضایت و کیفیت نامناسب عمل می‌شوند. به عبارت روشن، قانون میان دو طرف، باید در بردارنده حقوق هر دو طرف باشد و نباید حقوق یکی تأمین و حقوق دیگری نادیده گرفته شود.

- پیشنهاد

به نظر می‌رسد لازم است در تصویب قوانین کلی و جزئی مجلات علمی پژوهشی، از مخاطبین و صاحبان مقالات و نویسندگان هم‌نظرسنجی شود؛ و خواسته‌ها و مشکلات آنها نیز دیده شود. به عنوان نمونه در قانون عدم ارسال هم‌زمان مقاله به مجلات، اگر نشریه زمان بررسی و داوری مقاله را به حداقل دو هفته برساند، منطقاً نویسندگان و پژوهشگران نیز از ارسال هم‌زمان مقاله خود به چند نشریه خودداری می‌نمایند.

۳- تحصیلات نویسنده مقاله

یک پژوهش علمی و معتبر، ممکن است توسط فردی انجام شود که مدرک دانشگاهی نداشته باشد؛ یا لاقلاً مدرک دانشگاهی قابل توجهی نداشته باشد. آیا میزان بررسی و قضاوت و یا انتشار مقالات، الزاماً مدرک دانشگاهی است؟

پیش از ظهور مجلات علمی - پژوهشی در ایران، مقالات بدون توجه به مدارک تحصیلی پژوهشگران منتشر می‌شد؛ اما در دهه اخیر، توجه به مدرک تحصیلی در قبول مقالات پژوهشی، بسیار پر رنگ شده است؛ به طوری که نشریه‌های پژوهشی موسسات مختلف، رویه‌ها غالباً مشابه با کمی تفاوت در قبال مدرک تحصیلی نویسنده مقاله در پیش گرفته‌اند.

برخی مجلات، فقط از مدرک دکتری، مقاله می‌پذیرند. برخی دیگر از دانشجویان دکتری؛ و برخی از مدارک کارشناسی ارشد به همراه شخص دیگری که دکتری داشته باشد، مقاله قبول می‌کنند. به عبارت دیگر، اگر یک شخص بدون مدرک دانشگاهی یا با مدرک لیسانس یا کارشناسی ارشد بخواهد مقاله پژوهشی خود را منتشر نماید، امکان پذیر نیست، حتی اگر این مقاله، مقاله بسیار خوبی باشد. یعنی ناچار است که شخصی با مدرک دکتری که هیچ دخالتی در نوشتن مقاله نداشته را، به دروغ، به عنوان همکار پژوهش و نگارش خود معرفی نماید تا مقاله‌اش امکان نشر یابد.

هر چند این قانون با قانون نانوشته دیگری، برای برخی از علماء مشهور استثنا فرض شده است. به عبارت روشن، برخی از علماء با اینکه هیچ مدرک رسمی دانشگاهی و حوزوی برای ارائه ندارند و شاید آخرین مدرک رسمی تحصیلی آنها ششم ابتدایی باشد، اما به صرف شهرت، مقالاتشان در مجلات علمی پژوهشی منتشر می‌شود. به عنوان نمونه نگاه کنید به مقالات علمی پژوهشی آیت الله جعفر سبحانی^۱.

- مزایا و معایب

مجلات برای راحتی کار خود که نخواهند تعداد زیادی مقاله را بررسی نمایند تا از لابلای آنها مقالات خود را بیابند؛ یک راهکار حداقلی و راحت پیش پای خود دارند، و آن الزام مدرک تحصیلی خاص برای نویسنده مقاله است. این رویه برای مجلات مزیت دارد که با یک فیلتر مشخص، از حجم کار و بررسی خود می‌کاهند.

اما این کار باعث می‌شود که پژوهشگرانی که مقالات ارزنده‌ای دارند اما مدرک تحصیلی مورد درخواست مجلات را ندارند، از گردونه نشر مقالات خارج شوند و جامعه علمی از تحقیقات آنها دور بماند و البته آنها نیز از انجام پژوهش‌های جدید دلسرد گردند.

- پیشنهاد

به نظر می‌رسد در دوره‌های قبل که داوری مقالات پولی نبود، وضع قانون مدرک تحصیلی برای کاهش حجم ورودی مقالات کم اهمیت به مجلات، راهکار به ظاهر منطقی به نظر می‌رسید؛ اما اکنون که داوری مقالات با هزینه انجام می‌شود؛ بررسی مقالات نویسندگان بدون در نظر گرفتن مدرک تحصیلی آنان، ضرری را متوجه نشریات نمی‌کند و بلکه ممکن است برای آنها درآمدزا نیز باشد.

پیشنهاد می‌شود که اگر نویسنده‌ای مدرک دکتری ندارد، مقاله‌اش توسط دکتری دیگری، ضمناً تأیید شود ولی نیاز نباشد که نام دیگری به عنوان همکار نگارش و پژوهش در نشر مقاله درج شود. به عبارت روشن هر مقاله‌ای که یادداشت دکتر و استادی را بر روی خود داشت، در روند بررسی و داوری و انتشار نشریات قرار گیرد و فقط با یک نام نویسنده منتشر گردد.

۴- شیوه‌نامه تنظیم مقالات

شیوه‌نامه مجلات علمی ایران، یکدست نیست و دارای تنوع زیادی در کلیات و جزئیات است. گاهی این شیوه‌نامه‌ها فقط یک جنبه مثلاً ساختاری را پوشش می‌دهند و گاهی دارای جنبه‌های

^۱ - از ایشان حدود سی مقاله علمی - پژوهشی منتشر شده؛ که البته شیوه نامه و ساختار مقاله همیشه توسط دیگران تنظیم می‌شود؛ به عنوان نمونه نک: سبحانی، جعفر، قرآن و علوم انسانی، فصلنامه کلام اسلامی، پیاپی ۱۰۲، تابستان ۱۳۹۶.

متنوعی همانند ویرایش، روش ارجاع‌دهی و حتی سبک حروف‌چینی هستند. به عنوان نمونه، مجلات سخت‌گیر، چهار جنبه را در شیوه‌نامه خود مد نظر دارند که عبارتند از:

۱- شیوه‌نامه فنی حروف‌چینی و صفحه‌آرایی

شیوه‌نامه حروف‌چینی و الگوی فنی صفحات، شامل استایل اندازه و حاشیه صفحات، انتخاب نوع و اندازه فونت‌ها، سیاه نمودن برخی از عناوین و نام‌کتاب‌ها و برخی دیگر از مسایل فنی حروف‌چینی و صفحه‌آرایی؛ که گاهی فقط از عهده متخصص حروف‌چینی بر می‌آید. برخی از این موارد عبارتند از: ۱- تنظیمات صفحه‌بندی (Page Setup) مقاله. ۲- استایل‌های نگارش مقاله، شامل: استایل متن اصلی، عنوان مقاله، عنوان بخش‌ها، عنوان فصول، چکیده، تیتراژها، نام کتاب‌ها، علامت پاورقی و خود پاورقی.

۲- شیوه‌نامه ساختار مقاله

شامل چگونگی و نوع تدوین ساختار مقاله، که با توجه به رشته‌های علمی مختلف، متفاوت است؛ ولی در مجلات یک رشته نیز، گاهی متفاوت خواسته می‌شود.

مثلاً در مجله‌ای، این‌گونه تعریف می‌گردد:

- عنوان مقاله، مقدمه، مشکل، طرح مسأله، صورت‌بندی مسأله، فرضیه، تدوین فرضیه، آزمون و ارزیابی فرضیه، حل مسأله و ارائه نظریه، نتیجه‌گیری، منابع.

یا به عنوان نمونه، در یک نشریه قرآنی علوم انسانی، این ساختار توصیه و اجبار می‌شود:

- عنوان، چکیده، درآمد، طرح مسئله، فصل ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ... نتیجه‌گیری، منابع. که برای هر کدام نیز، توصیه‌هایی اجبار شده است؛ همانند:

۱. چکیده یک پاراگراف است و بس. ۲. مقاله حتماً درآمد و طرح مسئله داشته باشد. ۳. درآمد و طرح مسئله شماره نباید بخورند. ۴. در درآمد باید ضرورت بحث، اصطلاحات بنیادین بحث یا هر چیز دیگری که برای ورود به بحث پیش‌نیاز است ذکر شود. ۵. حتماً در طرح مسئله پیشینه بحث مرور و نقد شود. ۶. حتماً در طرح مسئله حداقل سه و حداکثر چهار سؤال اصلی برای بحث ذکر شود. ۷. بدنه مقاله به حداقل سه بخش، و هر کدام آنها با سه یا چهار فصل تفکیک و شماره‌گذاری شوند.

۳- شیوه‌نامه اجزاء و روش نگارش آن

منظور از شیوه‌نامه اجزاء و روش نگارش آن، مواردی همانند: این که مقاله باید یا نباید پاورقی توضیحی داشته باشد. یا چگونگی مدل ذکر اسماء اعلام، مؤلفین و آثار، نوع و روش ارجاع‌دهی منابع در متن، آوانگاری اسماء خاص، نوع تنظیم منابع در پایان مقاله، یا فارسی و انگلیسی بودن آن، تعداد مجاز تعداد کلمات در متن مقاله که از حدود ۲۵۰۰ کلمه تا در برخی مجلات به

۸۰۰۰ کلمه نیز خواهد رسید؛ یا تعداد کلمات چکیده که از ۱۵۰ تا ۲۵۰ کلمه در تلاطم است.

۴- شیوه‌نامه ویرایشی و قواعد رسم

شامل علایم ویرایش، سبک نگارش برخی از حروف فارسی و عربی، و نیز شیوه جدانویسی کلمات مرکب و مانند آن، همانند:

۱. حتماً یاء نشانه اضافه درج شود.
۲. حتماً تاء تأنیث در عبارات عربی درج شود.
۳. حتماً میان اجزاء کلمات نیم‌فاصله نهاده شود و نباید کلمات مستقل ترکیب شوند.
۴. حتماً در یادکرد نام‌ها، نام فارسی ذکر شود نه عربی.
۵. تا جایی که امکان دارد، از واژه‌های عربی استفاده نشود.
۶. از علائم اختصاری خاص استفاده شود.
۷. میان نام سوره و شماره آیه فقط ممیز گذاشته شود.
۸. در ارجاع به چند منبع، حتماً میان منابع فقط نقطه‌ویرگول نهاده شود.
۹. ویرگول نشانه مکث نیست؛ پس استفاده زیاد نکنید.
۱۰. هرگز به جای علامت گیومه « » از علامت " استفاده نشود.
۱۱. به جای فعل «است» از «می‌باشد» استفاده نشود.
۱۲. از پاراگراف‌های طولانی استفاده نشود.
۱۳. و...

- مزایا و معایب

جدا از عواملی همچون: توانمندی علمی، تسلط پژوهشگر بر موضوع و منابع و تازگی موضوع مقاله، که در کیفیت مقالات علمی در نشریات علمی پژوهشی مؤثر هستند (به‌عنوان نمونه نک: ابراهیمی‌پور، ۱۳۸۵)؛ وجود شیوه‌نامه (چه علمی، چه ویرایشی، و چه غیر آن) برای ایجاد نظم و خوانش بهتر مقالات و البته تأثیرگذاری مقالات، بسیار ضروری است؛ و برخی پژوهش‌ها نیز به نقش تغییر و بهبود وضعیت نشریات در این باره پرداخته‌اند. (به‌عنوان نمونه نک: اسلامی، ۱۳۸۹)

بدون اینکه منکر مزایای وجود شیوه‌نامه بشویم، نکات و معایبی را برای وضعیت تعاملی میان پژوهشگران و نشریات در این حوزه، مطرح می‌نماییم:

۱- تنوع شیوه‌نامه‌ها

اکنون شیوه‌نامه‌های متنوعی میان نشریات علمی - پژوهشی رایج است؛ و وجود این واقعیت که یک مقاله الزاماً با یک نشریه به توافق نشر نمی‌رسد و معمولاً یک مقاله میان چند نشریه گردش و چرخ می‌خورد تا مورد قبول مجلات واقع شود، باعث می‌شود که وقت و هزینه اضافی از پژوهشگران استفاده شود که البته با همان وقت می‌توانند پژوهش دیگری را ایجاد و سامان دهند.

۲- ترتیب اعمال شیوه‌نامه

ترتیب فرآیند مراحل پذیرش مقاله به نسبت شیوه‌نامه، غیرمنطقی است. به این معنی که منطقی است که اول مقاله داوری موضوعی و محتوایی بشود و اگر مقاله از جهت موضوع و محتوا مورد قبول مجله و داوران مجله بود، سپس از نویسنده خواسته شود تا شیوه‌نامه اختصاصی مجله را در مقاله

خود اعمال نماید. نه اینکه نویسنده با زحمت زیاد و در طی چند روز تلاش و هزینه کرد، مقاله خود را طبق شیوه‌نامه مجله الف در بیاورد؛ و سپس مقاله در مجله با عناوین عدم هماهنگی موضوعی یا محتوایی رد شود. در این حالت، نویسنده مجبور است دوباره برای مجله بعدی، زحمت شیوه‌نامه جدید را متحمل شود؛ و این وضعیت، هدر دادن وقت پژوهشگران است.

۳- کیفیت شیوه‌نامه

الزاماً شیوه‌نامه‌های مجلات مناسب نیستند؛ و نارسائی‌هایی دارند که باید فکری برای آنها شود. به عنوان مثال شیوه ارجاع‌دهی درون متنی، الگویی وارداتی و منطبق با وضعیت نشر و دانش غرب است. این الگو با وضعیت نظر و علم ایران و با بسیاری از منابع ایرانی، هماهنگ نیست. به عبارت ساده، مؤلفان غربی، غالباً در یکسال چند اثر تألیفی یا پژوهشی ندارند؛ و البته معمولاً در یک سال، چند اثر از آنها چاپ نمی‌گردد تا در ارجاع‌دهی درون‌متنی به مشکل بر بخوردند.

ارجاع درون متنی، حداقل سه اشکال دارد:

الف - اگر یک مؤلفی یک عنوان کتاب داشته باشد؛ آدرس این گونه خواهد شد: (استادی، ص ۱۲).

اگر دو عنوان کتاب یا مقاله در دو سال مجزا از او منتشر شده باشد؛ آدرس یک ارجاع به او این گونه خواهد شد: (استادی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۲). اگر مثلاً ۵ عنوان کتاب در یکسال از او منتشر شده باشد؛

آدرس یک ارجاع به این گونه خواهد شد: (استادی، ۱۳۹۵ش، الف، ص ۱۲). حال اگر ارجاع‌های درون‌متنی به چند منبع مثلاً حدیثی یا فلسفی و مشابه آن باشد؛ و انتشار آثار مؤلفان در یکسال

متعدد باشد (که معمولاً در آثار دینی این گونه است)؛ آدرس یک ارجاع درون‌متنی به پنج منبع این گونه خواهد شد: (استادی، ۱۳۹۵ش، الف، ص ۱۷۶؛ ملاصدرا، ۱۳۹۰ق، ج، ص ۵۵۰؛ ابن‌سینا،

۱۳۵۹ق، ب، ص ۲۲۰؛ دینانی، ۱۳۹۸ش، الف، ص ۳۲۰؛ جوادی‌آملی، ۱۳۹۷ش، الف، ص ۷۲۰)

تازه این وضعیت، در صورتی است که مجلات آثار، یک جلدی باشند و اگر چند جلدی باشند، درج «ج ۱» نیز به حجم ارجاع درون‌متنی افزوده خواهد شد.

ب - خوانش متن مقاله چه منبع درون متنی کوتاه باشد چه بلند با سکوت ذهنی مواجه می‌شود؛ و انسجام فهمی خواننده را مشوش می‌کند.

ج - غالب مقالات در کتاب‌هایی نیز به صورت متن گسترده‌تر یا مجموعه مقالات، منتشر می‌شوند؛ و در کتاب‌ها رسم ارجاع‌دهی به پاورقی است، نه ارجاع درون‌متنی. بنابراین پژوهشگر لازم است دوباره متن مقاله خود را از شیوه درون متنی به پاورقی تنظیم نماید؛ و این تکرار، وقت و هزینه از نویسنده خواهد گرفت.

- پیشنهاد

به نظر می‌رسد که مسؤلان و صاحبان مجلات در رشته‌های مشابه و یکسان، لازم است گردهمایی

داشته باشند و با مشورت و تبادل نظر، به یک شیوه‌نامه مشترک برسند؛ که نویسندگان از سردرگمی تعدد شیوه‌نامه‌ها خارج شوند و وقت و هزینه غیر ضروری برای پژوهشگران ایجاد نگردد.

همچنین، انجام شیوه‌نامه در مجلات به نوعی باید اختیاری گردد؛ یعنی اگر نویسنده‌ای خودش تمایل داشت شیوه‌نامه را بر روی مقاله خود اعمال کند و اگر نمی‌توانست یا تمایل نداشت، شیوه‌نامه توسط خدمات نشریه انجام شود و هزینه این خدمات از نویسنده دریافت گردد. با این کار، چون انجام شیوه‌نامه توسط یک متخصص صورت می‌گیرد، روند فرآیند آماده‌سازی مقاله تسریع و از مجلات فرسایشی میان نویسندگان و صاحبان مجله کاسته می‌گردد.

۵- مسائل داوری و تنگناهای موجود در آن

بدیهی می‌نماید که فرایند داوری، موجب ارتقای کیفیت نگارش مقالات به ویژه در قسمت‌های عنوان، شیوایی و تناسب متن و یافته‌ها می‌شود؛ و مقایسه میان نسخه اولیه و چاپ شده مقالات داوری شده، نشان می‌دهد که معمولاً کیفیت نگارش همه بخش‌های مقاله، در طی فرایند داوری و ویراستاری بهتر می‌شوند. (به عنوان نمونه نک: بیدختی ۱۳۹۳)

نوع داوری رایج در مجلات غالباً «دوطرفه پنهان» است و روش غالب در پذیرش مقاله «اعلام نتیجه مقاله، پس از داوری و طرح در جلسه هیئت تحریریه» است؛ و از گذشته، معمولاً از میان پنج رکن اصلی دخیل در فرآیند داوری مجلات، «هیئت تحریریه» نقش اساسی‌تری در فرایند داوری مقالات دارند. (به عنوان نمونه نک: ابویی اردکان ۱۳۹۱)

مسئله داوری را از جنبه‌های متعددی می‌توان مورد توجه قرار داد. از جمله مسائل شکلی داوری در سایت؛ همانند اجبار نویسندگان یا نویسندگان به معرفی داور. در برخی از سایت‌ها، بدون درج و معرفی داور، مراحل و تکمیل و ثبت مقاله در سایت امکان پذیر نیست. در این موارد، گاهی که نویسنده داوری را سراغ ندارد، دست به درج نام خویش، برای جلورفت مراحل ارسال مقاله در سایت می‌نمایند. این وضعیت گاهی موجب سوءتفاهمات میان مجله و نویسنده مقاله می‌گردد.

از طرف دیگر، بررسی مجلات نشان می‌دهد که داوری‌ها الزاماً به درستی انجام نشده‌اند؛ به عنوان نمونه، یکی از معیارهای مهم در ارزیابی مقالات علمی، اعم از پژوهشی و ترویجی، انتخاب عنوان مناسب است. صاحب نظران روش‌شناسی پژوهش‌های علمی، معیارهایی از قبیل جزئی بودن، گویایی، جذابیت، اختصار، دقت و تازگی را برای عناوین مقالات پژوهشی برشمرده‌اند؛ اما پژوهش‌هایی نشان می‌دهد که در بسیاری از مقالات منتشر شده، نواقصی از قبیل وسیع و تکراری بودن موضوع تحقیق، و همچنین طولانی و مبهم بودن عنوان آن می‌باشند، که خود ناشی از عدم اهتمام یا حتی عدم آگاهی کامل از داوران از اصول و مبانی روش تحقیق می‌باشد. (به عنوان نمونه نک: عسکری، ۱۳۸۹؛ حاجی خانی، ۱۳۹۵)

جدای از مسائلی که گذشت، داوران مقالات مجلات علمی پژوهشی بسیار متنوع و سلیقه‌ی عمل می‌کنند. برخی مقاله را به صورت کلی تورق می‌نمایند و به آسانی مقاله را تأیید می‌کنند؛ برخی دیگر، وارد جزئیات متن مقاله می‌شوند. برخی نیز مقاله نویسنده را مقاله خود تصور می‌کنند و سلايق و علايق خود را به عنوان تغييرات داوري در متن مقاله اعمال می‌کنند؛ گویی اینکه نویسنده باید نظر علمی یا ذهنی داور را برای داشتن تأیید او لحاظ نماید.

یکی دیگر از تنگناهای داوری، مشغله فراوان اساتید داور می‌باشد؛ که به طولانی شدن روند داوری می‌انجامد. (به عنوان نمونه نک: ابویی اردکان، ۱۳۹۱) از سوی دیگر، اگر اساتید حرفه‌ای مشهور به عنوان داور مقالات منظور شوند، روند زمان داوری بسیاری طولانی می‌شود و گاه تا یکسال مقاله در دست داور باقی می‌ماند.

از سوی دیگر، مجلات گاهی داور مشخصی برای بررسی مقالات خود ندارند، و مقالات را به صورت تصادفی به برخی از پژوهشگران و صاحبان دیگر مقالات که در سایت آنها ثبت نام نموده‌اند و علاقمندی خود را جهت داوری اعلام داشته‌اند، واگذار می‌نمایند؛ که وضعیت و کیفیت داوری مشخصی ندارند.

مهم‌ترین مشکلات بخش داوری مجلات علمی پژوهشی، عدم تخصص برخی داوران با موضوع مقالات است؛ که گاهی چون وقت مراجعه نیز ندارند؛ اظهار نظرهای سوری و گاه کلی، که ارتباط دقیقی با متن مقالات ندارد، انجام می‌دهند؛ به عبارت ساده، فقط مطالبی برای خالی نبودن عریضه، بیان می‌کنند. این وضعیت باعث می‌شود که برخی از صاحبان فرهیخته مقالات، نسبت به اظهارات داور تندی نمایند و همین مناقشه، مقاله را از دور انتشار مجله خارج نماید.

مسئله آخر، هزینه داوری است؛ برخی مجلات هزینه داوری اخذ می‌کنند که مقدار این هزینه متفاوت میان ۵۰ تا ۱۵۰ هزار تومان می‌باشد. مناسب است اولاً وضعیت این تفاوت هزینه روشن شود؛ ثانیاً مشخص شود که این مبلغ در قبال چه زمانی از وقت داور در اختیار او قرار می‌گیرد. چون برخی از داوران سی صفحه مقاله را در نیم ساعت تورق و مطالعه می‌نمایند؛ و برخی دیگر از داوران، حدود چند ساعت از وقتشان بابت مطالعه و مراجعه به منابع گرفته می‌گردد.

- مزایا و معایب

داوری، بدون حرف پیش، ضروری پذیرش و انتشار مقالات علمی پژوهشی است. بنابراین، فقط لازم است معایب داوری و روند داوری مرتفع گردد.

- پیشنهاد

به نظر می‌رسد مناسب است که داوری شکلی و شیوه‌نامه مجلات، به افرادی مشخص از دست-اندرکاران مجله که فقط تخصص‌شان داوری شکلی است سپرده شود؛ و داوری محتوایی مقالات،

حداقل به سه داور سپرده شود که اگر دو داور نظر مثبت داشتند، مقاله در روند انتشار قرار گیرد.

همچنین، لازم است شیوه‌نامه جامع و مخصوص داوری مقالات برای رشته‌های مختلف، با حق-الزحمه یکسان تدوین شود، تا داوران ضمن اینکه از اعمال نظرهای سلیقه‌ای و شخصی دوری می-کنند؛ در طول زمان مشخص و با عملکردی متمایز مشخص به داوری مقالات بپردازند. از سوی دیگر، ضروری است که خط ارتباطی مستقیم و آسانی به صورت ناشناس و گمنام، میان نویسنده و داوران در سایت مجله تعبیه شود؛ تا پژوهشگر بتواند به راحتی ابهامات داور را مرتفع نماید، که این ابهامات، منجر به نظر منفی داور نسبت به مقاله نگردد.

۶- تعصب مجلات ایدئولوژیک و سیاسی

مسیر رسیدن به واقعیات، فراهم نمودن شرایط پژوهش آزاد با حداقل پیش‌فرض‌های قبلی و تعصب‌مآبانه است. این مهم وقتی فراهم می‌شود که نشریات نیز بدون داشتن تعصب و آزاده در قبول و انتشار مقالات اقدام کنند.

حتی با نگاهی اجمالی به صاحبان امتیاز مجلات علمی پژوهشی ایران، روشن است که مجلات مستقلی در ایران وجود ندارد؛ و همه مجلات علمی، وابسته به مؤسسات و ارگان‌های دولتی و نیمه‌دولتی هستند. (بی‌نا، فهرست نشریات، ۱۳۹۹؛ بی‌نا، سامانه اطلاعات پژوهشی، ۱۳۹۹؛ همچنین نک: پاشایی زاد، ۱۳۹۰) این مجلات طبق علایق و ساختار فکری مؤسسات خود که تفکر ایدئولوژی و سیاسی خاصی را دارند، رفتار می‌کنند. یعنی نسبت به مقالاتی که در تعارض با جو حاکم فکری آنها باشد، مواجهه منفی دارند. این تعصب‌ها در در حوزه علوم انسانی مخصوصاً در حوزه دینی، بسیار چشم‌گیر است.

به عنوان نمونه، مجله امامت پژوهی با صاحب امتیازی بنیاد فرهنگی امامت و مدیر مسئولی آیت الله سید علی حسینی میلانی را در نظر بگیرید. در طول ۲۵ شماره آن که حدود ۲۵۰ مقاله منتشر نموده است، حتی یک مقاله که رنگ و بوی نقد امامت در آن باشد، منتشر نگشته است؛ و همه مقالات آن ترویج مسأله امامت با نگاه اخباری‌گری یا گرایش‌های شیعی سلفی است.

یا مثلاً مجله آموزه‌های قرآنی با صاحب امتیازی دانشگاه علوم اسلامی رضوی و مدیر مسئولی سیدحسن وحدتی شبیری را در نظر بگیرید. در طول ۳۲ شماره آن که حدود ۳۵۰ مقاله منتشر نموده است، حتی یک مقاله که رنگ و بوی نقد قرآن یا آموزه‌های قرآن در آن باشد، منتشر نگشته است. به عنوان نمونه، چند مقاله در مسأله تحریف قرآن برای این نشریه ارسال نمودم؛ جدا از عدم انتشار، سردبیر مجله مرا نصیحت نمود که دست از نوشتن این نوع مقالات بردارم.

اینها نمونه‌هایی بود از روش غالب مجلات علمی علوم انسانی ایران، که در این مجلات، از مقالات پژوهشی مخالف تفکر غالب، استقبال نمی‌کنند. برای دقت بیشتر، به مجلات علوم انسانی در موضوعات دینی، سیاسی، تاریخی، جامعه‌شناسی و امثال آن مراجعه نمایید.

- مزایا و معایب

با این رویه، مجلات علوم انسانی که با تاریخ، سیاست، جامعه، دین و هر موضوعی که با ایدئولوژی و سیاست و فرهنگ تناسبی دارند، مقالات پژوهشی مقابل نظر خود را منتشر نمی‌کنند و این وضعیت، منجر به عدم متعادل‌سازی اندیشه و کاریکاتوری شدن علوم انسانی خواهد شد. و حاصل این روش، تضعیف مبانی و اصول علوم انسانی در رشته‌های مختلف آن در درازمدت خواهد بود؛ به طوری که نظریات موافق، بدون داشتن حریف و مبارز به پیشتازی خود ادامه می‌دهند، و در بزنگاه‌های حساس، ضربه فنی خواهند شد.

- پیشنهاد

لازم است مسئولین بالادستی و برنامه ریز نظام علمی کشور، برای توازن بخشی پژوهش، مخصوصاً در حوزه علوم انسانی، مجلات علمی پژوهشی را موظف نمایند تا در هر شماره خود، از مقالات موافق و مخالف اندیشه‌های حاکم بهره ببرند؛ و مجامع علمی کشور را با تنگ‌نظری‌های ایدئولوژیک و سیاسی، از نشاط لازم علمی تهی ننمایند.

۷- تناسب تعداد مجلات علمی به دانشجویان و پژوهشگران

بنابر گزارش موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم، در ایران ۲۵۶۹ دانشگاه در کشور وجود دارد؛ که در آنها حدود ۹۰۰ هزار دانشجوی تحصیلات تکمیلی مشغول به تحصیل هستند. جدا از این‌ها، با توجه به فهرست واحدهای پژوهشی دارای اعتبار و پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد و مراکز نوآوری که در توسط وزارت علوم و تحقیقات و فناوری معرفی شده‌اند؛ حدود ۵۰۰ مرکز می‌باشند. (بی‌نا، پژوهش آموزش عالی، ۱۳۹۷)

اکنون با تعداد زیادی دانشجویان در مقاطع تحصیلات تکمیلی و پژوهشگران و اساتید دانشگاه‌ها روبرو هستیم که تناسبی با تعداد نشریات علمی کشور که حدود ۲۰۰۰ نشریه هستند (بی‌نا، فهرست نشریات، ۱۳۹۹؛ بی‌نا، سامانه اطلاعات پژوهشی، ۱۳۹۹) و از این تعداد، حدود ۱۳۰۰ نشریه وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشند، ندارد.

- معایب

این وضعیت عدم تناسب مجلات علمی - پژوهشی با مقالات تولید شده در ایران، جدا از اینکه ضربه اصلی را به پژوهشگران مستقل می‌زند؛ چالش‌های گوناگونی نیز از نظر کیفیت آموزش و پژوهش برای نظام آموزش عالی، استادان، و دانشجویان ایجاد کرده است. یکی از این چالش‌ها، الزام

دانشجویان به چاپ مقاله در مجله‌های علمی پژوهشی است که باید تا پیش از جلسه دفاع از پایان نامه رخ داده باشد. برابر آیین‌نامه‌های موجود، دانشجویان کارشناسی ارشد باید دست‌کم یک مقاله و دانشجویان دکتری باید دست‌کم دو مقاله به چاپ رسانیده باشند و یا نامه پذیرش مقاله را ارائه دهند.

بنابراین، با توجه به تعداد کم مجله‌های علمی - پژوهشی در مقایسه با تعداد فزاینده مقاله‌های برگرفته از پایان‌نامه‌ها و نیز مقالات دیگر پژوهشگران و اساتید، درصد قابل توجهی از این مقاله‌ها از شناس انتشار در مجله‌های علمی - پژوهشی برخوردار نخواهند شد.

نتیجه این مساله آن است که بخش قابل توجهی از یافته‌های علمی و دانش نو، مجال انتشار و در دسترس قرار گرفتن نمی‌یابند؛ و این امر نیز در تضاد با هدف آموزش عالی است. جدا از آنکه، بسیاری از دانشجویان از امکان فارغ‌التحصیل شدن به موقع برخوردار نخواهند شد و یا بخشی از نمره پایان‌نامه آنان کسر خواهد شد. (فتاحی، ۱۳۹۱)

- پیشنهاد

مناسب است هم تعداد نشریات علمی - پژوهشی افزایش یابند؛ و هم تعداد مقالات منتشر شده در هر شماره مجلات، افزایش پیدا کنند؛ و همچنین، با تدابیری، تأخیر انتشار، در نشریات نزدیک صفر شوند. به این معنی که توازن مناسبی میان عرضه و تقاضا میان پژوهشگر و نشریه ایجاد گردد؛ که پژوهشگران محتاج نشریات و معطل بوروکراسی فزاینده حاکم بر آنها نباشند؛ و برعکس، حتی الامکان، نشریات محتاج پژوهش پژوهشگران شوند.

۸- هزینه‌های نشر مقاله

طبق قاعده، نگارش و انتشار مقالات، هزینه دارد. این هزینه‌ها شامل چند بخش می‌شوند: الف - حق‌الزحمه محقق و پژوهشگر. ب - هزینه مواد پژوهش و برخی از امکانات تحقیق و مقاله. ج - هزینه حروف‌چینی و صفحه‌آرایی و غلط‌گیری. د - هزینه کارمندان نشریه. ه - هزینه داوران مجله. و - هزینه انتشار کاغذی.

این هزینه‌ها می‌توانند از چند طریق تأمین شوند: ۱- پرداخت پول توسط خواننده. ۲- پرداخت پول توسط نویسنده. ۳- پرداخت پول توسط نشریه. ۴- پرداخت مشترک.

از سوی دیگر، دسترسی به مقالات علمی در دو دسته تعریف شده است: مقالات «دسترسی آزاد»، یعنی مقالاتی که ناشر مجله، بابت چاپ مقاله از نویسنده یا مولف مقاله هزینه دریافت می‌کند اما در مقابل دسترسی این مقالات برای خوانندگان آزاد خواهد بود و برای دانلود فایل مقاله هیچ محدودیتی وجود نخواهد داشت. نیز، مقالات «دسترسی بسته»، یعنی مقالاتی که به صورت رایگان

در مجلات چاپ می‌شوند، و ناشر مجله از نویسنده هزینه‌ای دریافت نمی‌کند؛ اما خوانندگان مقاله، برای دریافت فایل مقاله، هزینه پرداخت کنند.

درست است که مجلات مشکلاتی برای خود دارند (به عنوان نمونه نک: حسن زاده، ۱۳۸۹ش)؛ اما اکنون مجلات علمی - پژوهشی ایران، غالباً خود را راحت نموده‌اند و با توجه به نیاز شدید برخی دانشجویان جهت فارغ‌التحصیلی (به عنوان نمونه نک: فتاحی، ۱۳۹۱) یا پذیرش دکتری، و نیز نیاز اساتید دانشگاه و پژوهشگاه‌ها برای ترفیع، رتبه و امتیازگیری، هزینه‌های نشر مقاله را به عهده نویسندگان قرار داده‌اند؛ که این هزینه‌ها البته بسته به هر مجله، متفاوت و متنوع است. ایشان با یک تعریف ساده، نوع دسترسی مقالات مجله را برای خواننده آزاد نموده‌اند و به عنوان «دسترسی آزاد»؛ هزینه را از نویسنده دریافت می‌کنند. اما جالب است که همین مجلات با قرارداد یا بدون قرارداد، فایل مقالات را در اختیار سایت‌های بایگانی مجلات، همانند مگیران و نور مگز و ... قرار می‌دهند و آنها این مقالات را در قبال پول به خوانندگان ارائه می‌نمایند.

اکنون مشکل این جاست که از پنج مدل هزینه صفر تا صد انتشار یک مقاله، چهار هزینه آن به عهده پژوهشگر و نویسنده مقاله است؛ و یک هزینه آن، یعنی هزینه کارمندان نشریه، به عهده موسسه یا دانشگاه صاحب امتیاز نشریه است. به عبارت ساده، پژوهشگر وقتی زحمت می‌کشد و مقاله را می‌نویسد، جدا از اینکه حق التالیف و دستمزد نگارش نمی‌ستانند، باید هزینه حروف چینی، داوری و انتشار مقاله را نیز، شخصاً متقبل شود.

جالب است برخی از مجلات، همانند مجله قرآن حدیث دانشگاه تهران، از تمایل پژوهشگران برای انتشار مقالاتشان در آن نشریه، سوء استفاده نموده، و برای اینکه حتی هزینه ساده پرینت مقاله را تقبل نمایند، پژوهشگران و نویسندگان را مجبور می‌کنند جدا از بارگذاری فایل مقاله در سایت مجله، مقاله را دو سری پرینت کاغذی نمایند و با پست به نشریه ارسال کنند؛ تا آنها بی‌هیچ دردسر و هزینه‌ای، مقالات را در اختیار داوران خود قرار دهند.

- مزایا و معایب

اگر نویسنده امتیازی از انتشار مقاله دریافت کند، همانند پذیرش بدون کنکور در دکتری یا امتیاز ویژه اعضای هیأت علمی مؤسسات که شامل ارتقاء رتبه و حقوق است (نک: بی‌نا، آئین‌نامه خدمت، ۱۳۹۵، جدول پیوست)؛ به این معنی است که، هزینه‌ها و زحمات را در قبال آن امتیاز، تقبل نموده است؛ اما اگر پژوهشگرانی مستقل باشند و انتشار مقاله برای ایشان، امتیاز مالی و

۱- در دهه هشتاد، حدود ۴۰ درصد مجلات امکان دسترسی آزاد به متن کامل مقالات را از طریق وبگاه فراهم ساخته بودند؛ (پاشایی زاده، حسین و غلامرضا فدایی، مطالعه وضعیت نشر مجلات علمی در ایران، فصلنامه تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه‌های عمومی، پیاپی ۶۴، بهار ۱۳۹۰ش)؛ ولی اکنون تقریباً تمامی مجلات ایران دسترسی آزاد به مقالات دارند.

رتبه‌ای یا اداری نداشته باشد؛ به این معنی است که پژوهشگر مستقل در قبال دانش جامعه و استفاده جامعه از تحقیقاتش، لازم است پول پرداخت نماید.

روشن است که از انجام و انتشار یک پژوهش و مقاله علمی، چند دسته منتفع می‌شوند: ۱- جامعه و مردم. ۲- نشریه و صاحب امتیاز نشریه. ۳- نویسنده مقاله. ۴- دانشگاه یا مدرسه محل تحصیل نویسنده ۵- و ... به نظر می‌رسد که منطقی نیست که چون افرادی برای امتیازگیری محتاج انتشار مقالات هستند، بیشتر هزینه‌های مقاله توسط نویسنده تأمین شود. از سوی دیگر، این اجحاف درباره نویسندگان و پژوهشگران مستقل، دو چندان می‌شود. جدای از اینکه، ایشان انگیزه نگارش و پژوهش را از دست می‌دهند؛ و روند نگارش مقالات از حالت طبیعی خود که حل مسائل و مشکلات طبیعی جامعه است، خارج می‌گردد.

- پیشنهاد

جدا از پیشنهادهایی که خود ناشران مجلات می‌توانند داشته باشند (به عنوان نمونه نک: حسن زاده، ۱۳۸۹)؛ به نظر می‌رسد که همان‌طور که سه دسته از نشر مقالات منفعت می‌بینند، هزینه مقالات نیز به نسبت برای این سه دسته، تفریح و تقسیم گردد. به عبارت ساده، هزینه‌های مختلف انتشار مقاله از صفر تا صد محاسبه گردد، و به تناسب انتفاع میان بهره‌مندان تقسیم شود.

به عنوان نمونه، اگر یک مقاله ۳۰ صفحه‌ای حداقل یک میلیون تومان حق‌التألیف داشته باشد، با هزینه حروف‌چینی حدود ۳۰۰ هزار تومانی آن و هزینه چاپ کاغذی در حدود ۳۰۰ هزار تومان، با هزینه‌های خود نشریه، جمع شوند و تقسیم بر منتفعان گردند.

به نظر می‌رسد این‌گونه، پژوهشگران، هزینه‌ای که نباید پرداخت نمایند، هزینه‌ای نیز لازم است دریافت نمایند.

۹- مدت زمان فرآیند پذیرش و انتشار

تأخیر در انتشار مجلات، پدیده‌ای است که می‌تواند جدای از تأثیر منفی بر اشاعه اطلاعات علمی، مشکلات متعددی را نیز برای پژوهشگران و برخی از فارغ‌التحصیلان به وجود آورد. (به عنوان نمونه نک: فتاحی، ۱۳۹۱)

برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از مجلات علمی پژوهشی و علمی ترویجی تحت پوشش وزارت علوم، با تأخیر در انتشار مواجه بوده‌اند. (عرفان منش، ۱۳۹۶) البته وجود تفاوت آماری معناداری میان تأخیر در انتشار نشریات رشته‌ها و گروه‌های موضوعی مختلف وجود دارد (جدا از منبع قبل، به‌عنوان نمونه نک: بهمن‌آبادی، ۱۳۹۴؛ قاسمی، ۱۳۹۵)؛ و بیشترین میزان تأخیر در نشریات گروه علوم انسانی مشاهده شده است. هر چند که مجله‌های دارای رتبه علمی پژوهشی، برخوردار از سامانه پیوسته مدیریت، منتشر شده به زبان انگلیسی، نمایه شده در پایگاه‌های استنادی

ملی و بین‌المللی و مجله‌های دارای سابقه و عمر بیشتر، از میزان تأخیر کمتری در انتشار نسبت به سایر مجله‌ها برخوردار هستند. (عرفان منش، ۱۳۹۶)

تأخیر در فرآیند پذیرش و انتشار مجلات، شامل چند مرحله است: ۱. ارسال یا بارگذاری مقاله تا مقطع زمان پذیرش مقاله. ۲. زمان پذیرش مقاله تا انتشار رسمی مجله. ۳. انتشار مجله تا توزیع و در اختیارگذاری مجله به مخاطبان.

بنابراین، زمان فرآیند پذیرش و انتشار مجلات علمی - پژوهشی را از چند منظر، که هر کدام از آنها نظام مشخص و هماهنگی در مجلات ندارند، می‌توان مورد توجه قرار داد:

الف - مدت بررسی اولیه

بعد از بارگذاری فایل مقاله در سایت مجلات، جدا از پیغام‌های خودکار سایت در اعلام تأیید بارگذاری، زمان بازرسی مدیر اجرایی سایت یا مجله برای اعلام نظر اولیه پیرامون مقالات، در مجلات مختلف بسیار متفاوت است؛ که از چند ساعت تا چندین هفته متغیرند.

ب - مدت داوری

بعد از تأیید اولیه نظر مدیر مجله، مقاله جهت داوری در صف انتظار می‌ماند. این زمان نیز در مجلات مختلف بسیار متفاوت هستند؛ کمترین آن از حدود چهار هفته تا بیشترین آن تا یکسال و اندی به طول می‌انجامد.

ج - مدت انتشار

از زمان تأیید نهایی مقاله و ویرایش و تصحیح نهایی آن، زمانی نیز مقاله در صف انتشار قرار می‌گیرد؛ گاهی این زمان با چند ماه ختم به خیر می‌گردد و گاهی تا دو - سه سال یک مقاله منتظر می‌ماند تا در دست خوانندگان قرار گیرد.

د - تأخیر فصل و سال انتشار

جدا از مسایل مالی مجلات و مشکلات و بی‌نظمی‌های اداری نشریه‌ها در دانشگاه‌ها و سازمان‌های مختلف، که منجر به تأخیر انتشار و نابسامانی انتشار مجلات می‌شود؛ مجموع مواردی که در عناوین بالا بیان شد، غالباً منجر به تأخیر زمان انتشار مجلات می‌گردد. غالب مجلات علمی - پژوهشی کشور، در زمان اعلامی و مصوب خود منتشر نمی‌شوند؛ و معمولاً با تأخیر یک یا دو فصل در دست خوانندگان قرار می‌گیرند. (نک: سایت مجلات وزارت علوم)

- پیشنهاد

به نظر می‌رسد لازم است نشریات، خود را ملزم به اعلام زمانبندی جهت فرآیند پذیرش و انتشار مقالات بنمایند؛ به گونه‌ای که مخاطبان نشریه بتوانند طبق همان زمانبندی کارمندان و مسؤولان نشریه را بازخواست نمایند. هر چند که چون اصل پذیرش و انتشار مقالات با نظر

کارمندان و مدیران نشریات انجام می‌شود، امکان بازخواست نشریه توسط مخاطب وجود ندارد و ممکن است مقاله مخاطب مجله از گردونه پذیرش و انتشار مجله به حق یا ناحق، خارج شود. بنابراین لازم است که راهکاری سیستمی در سایت مجلات فراهم گردد که خود سیستم عملکرد زمانی مناسب یا نامناسب دست‌اندرکاران مجله را نشان دهد و روند پیگیری و عملکرد مدیران نشریه آشکار و شفاف نمایان شود.

۱۰- تأثیرگذاری مجلات علمی - پژوهشی

جدا از برخی مجلات علمی پژوهشی رشته‌های فنی مهندسی و پزشکی و مشابه آن، قالب مجلات علمی علوم انسانی ایران مخصوصاً در حوزه دین، تأثیرگذاری مؤثر در تولید پژوهش‌های مرجع ندارند. یعنی تولید علم و رتبه مجلات علوم انسانی و مخصوصاً دینی ایران، اساساً قابل توجه نیست. این در صورتی است که نیمی از نشریات علمی پژوهشی کشور، در موضوع علوم انسانی هستند و مدیران و سیاست‌گذاران کشور نیز، بیشترین اهمیت را به حوزه علوم انسانی قائل می‌شوند.

جدول تولید علم برخی رشته‌های علوم انسانی در بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۲ پایگاه کلاریویت آنالیتیکز (آی.اس.آی)			
رشته موضوعی	میزان تولید علم ایران	میزان تولید علم دنیا	سهم ایران از دنیا
علوم تربیتی	۲.۸۸۰	۳۰۶.۰۲۵	درصد ۰.۹
اقتصاد و تجارت	۳.۹۳۲	۵۴۸.۰۹۳	درصد ۰.۷
هنر و معماری	۲.۱۳۵	۳۲۷.۷۳۵	درصد ۰.۷
جغرافیای اقتصادی و اجتماعی	۲.۰۵۱	۳۴۸.۰۸۹	درصد ۰.۶
روانشناسی	۲.۱۳۰	۴۳۲.۱۷۷	درصد ۰.۵
علم اطلاعات و دانش‌شناسی	۵۴۷	۱۳۳.۴۱۵	درصد ۰.۴
زبانها و ادبیات	۱.۰۹۸	۳۲۲.۶۶۳	درصد ۰.۳
علوم سیاسی	۳۷۲	۱۹۲.۳۹۷	درصد ۰.۲
جامعه‌شناسی	۴۱۸	۲۷۳.۷۴۷	درصد ۰.۲
تاریخ	۲۹۸	۳۲۲.۸۵۱	درصد ۰.۱
حقوق	۱۰۹	۱۱۸.۳۷۳	درصد ۰.۱

به عنوان نمونه، با اینکه ایران و نیز کشورهای اسلامی، مهد اسلام و البته علوم قرآنی هستند و تلاش‌های زیادی در جهت استفاده و ترویج دانش‌های اسلامی و قرآنی دارند؛ اما با این حال، تحلیل و بررسی جایگاه پژوهش‌های قرآنی در تولید علم جهانی با استفاده از فنون علم‌سنجی در بازه زمانی ۲۰ ساله (در پایگاه اطلاعاتی آی.اس.آی؛ تامسون رویترز) نشان می‌دهد که از تعداد ۱۴۷۹ رکورد

در حوزه قرآنی، تنها ۷۰ مورد آن متعلق به ایران است؛ و کشور ایالات متحده آمریکا با انجام ۳۳۷ پژوهش قرآنی در مقایسه با سایر کشورهای جهان، در رتبه نخست قرار دارد. (نک: خاصه، ۱۳۹۵) به نظر می‌رسد جدا از کمبودهای فنی در زمینه نمایه‌سازی، روش و ساختار تحقیقات و پژوهش‌های ایرانی مخصوصاً در حوزه علوم انسانی، رویکرد مناسب جهت تولید نظریه به تبع آن، ایجاد تولید علم و ارجاعی‌دهی در منابع پژوهشی دیگر را ندارد.

عمده پژوهش‌های ایرانی، مخصوصاً در حوزه علوم انسانی، موضوع محور هستند؛ به این معنی که منتهی به متنی آموزشی می‌شوند که در این پژوهش‌ها، اتفاق خاص و ویژه‌ای نیفتاده است؛ و حداکثر خواننده مقاله اطلاعاتی در موضوع پیدا می‌کند. جدا از اینکه این پژوهش‌ها در بسیاری موارد انتخاب موضوع درستی ندارند (به عنوان نمونه نک: عسکری، ۱۳۸۹) و از آن مهم‌تر تکراری هستند (به عنوان نمونه در دهه گذشته، بیش از بیست عنوان مقاله پژوهشی با عنوان مشابه در موضوع «حجیت خبر واحد در اعتقادات» در مجلات علمی - پژوهشی منتشر شده است)؛ غالباً این دست از پژوهش‌ها، مورد ارجاع پژوهش‌های دیگر، مخصوصاً تحقیقات بین‌المللی قرار نمی‌گیرند؛ و بر عکس پژوهش‌های مسأله محور، در روند تولد علم و پژوهش‌های جدید قرار نگرفته و موجب ایجاد نظریه تازه و تغییر مسیر علم نمی‌شوند.

ساختار مجلات علمی پژوهشی، مخصوصاً در حوزه علوم انسانی، به ظاهر مسأله محور است و تنها واژه «مسأله» را در طرح خود دارند؛ ولی واقعاً مسأله محور نیستند. پژوهش مسأله محور، حتماً باید ساختاری مشاله ساختار زیر داشته باشد:

۱- مقدمه. ۲- مشکل. ۳- طرح مسأله. ۴- صورت‌بندی مسأله. ۵- فرضیه. ۶- تدوین فرضیه. ۷- آزمون و ارزیابی فرضیه. ۸- حل مسأله و ارائه نظریه. ۹- نتیجه‌گیری.

به عبارات ساده، در پژوهش مسأله محور، باید مشکلی حل شود و فرضیه‌ای به نظریه تبدیل شود. این وضعیت منجر به تولید و حرکت علم و ارجاع‌دهی در پژوهش‌های دیگر در سطح جهانی خواهد شد.

- مزایا و معایب

مزایای پژوهش‌های موضوع محور فقط آموزشی است و به نسبت مقالات مسأله محور، مزایای بسیار اندکی دارند. پژوهش‌های موضوع محور را نه در نشریات، بلکه باید در کتاب‌ها تدوین و منتشر نمود. این نوع رویه مجلات علمی پژوهشی در انتشار مقالات پژوهش محور، موجب جهش علمی

۱- آخرین مقاله تکراری از این بیست موضوع، عبارت است از: دلبری، سید علی، امامی، محمد، عارفی، محمداسحاق، اعتبارسنجی خبر واحد در روایات اعتقادی، مطالعات فهم حدیث، ش ۲۵، ۱۳۹۸.

کشور نخواهد شد؛ و تنها نیاز امتیازی نویسندگان برای استفاده‌های اداری و مشابه را تأمین می‌کند؛ و معمولاً نیز همانند کتاب، مورد مطالعات مؤثر قرار نمی‌گیرند.

- پیشنهاد

ابتدا لازم است مزایا و روش پژوهش‌های مسأله‌محور به اساتید دانشگاه‌ها و دانشجویان و پژوهشگران مستقل آموزش داده شود. اکنون کتاب‌های آموزشی بسیار اندکی در این زمینه وجود دارد (به عنوان نمونه نک: فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰). همچنین به نظر می‌رسد برای تحول در میحث روش‌شناسی مطالعات دینی، تبیین سلسله مراتب دستگاه علم دینی، و سپس تنظیم یک دستگاه روش‌شناختی متناسب با نظام جهان بینی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلام، از ضروریات جدی این مرحله از تلاش‌های اندیشمندان حوزه علم دینی، برای نیل به علوم انسانی - اسلامی فاخر و تمدن ساز باشد. (تقوی، ۱۳۹۹)

از سوی دیگر، لازم است حجم پذیرش مقالات مسأله‌محور، با سبک نظریه‌پردازی در مجلات علمی - پژوهشی به مرور افزایش یابد. یعنی مجلات خود را ملزم نمایند که کم‌کم، فقط رو به پذیرش مقالات مسأله‌محور بیاورند و از قبول مقالات موضوع محور که اتفاق خاصی در آنها نیفتاده است، پرهیز نمایند. برای این منظور، می‌توانند هم امتیاز ویژه‌ای برای انتشار مقالات مسأله‌محور قائل شوند؛ و هم اینکه، جوایز درخوری برای نگارش مقالات مسأله‌محور با شیوه نظریه‌پردازی مشخص نمایند.

نتیجه‌گیری

از جنبه‌های متنوع و مختلفی، مشکلاتی در روند پذیرش و داوری و انتشار مجلات علمی - پژوهشی ایران، و مخصوصاً در عدم هماهنگی و یکپارچگی نشریات علمی در شیوه‌نامه‌های مقالات و برخی قوانین اختصاصی خود وجود دارد. از سوی دیگر، پژوهشگران و مخصوصاً پژوهشگران مستقل، در رابطه تعاملی خود با نشریات، مشکلات بیشتری دارند که در برخی موارد، همانند پرداخت هزینه انتشار، به ایشان اجحاف می‌شود.

بنابراین، به نظر می‌رسد لازم است تا طی بررسی‌ها و تحقیقاتی، مشکلات پیش‌روی نویسندگان و پژوهشگران و پیشنهادات آنها جمع‌آوری و احصاء شوند، و در ساختار و روند پذیرش و داوری و انتشار نشریات، لحاظ گردند؛ تا تعاملی دو سویه و رضایت‌بخش، میان نویسندگان و نشریات حاصل گردد.

منابع فارسی

- ابویی اردکان، محمد (۱۳۹۱ش)، فرایند داوری مقالات در مجلات علمی ایران، پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، شماره ۲۸.
- استادی، کاظم (۱۳۹۰ش)، کتابشناسی خط فارسی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- (۱۳۹۸ش)، مالکیت فکری و ایده‌برداری، قم: ارزشمند.
- اسلامی، عباس (۱۳۸۹ش)، نقش درجات علمی در بهبود کیفیت مجلات (بررسی نشریه روستا و توسعه)، رهیافت، شماره ۲۰ (۴۶).
- بهمن‌آبادی، علیرضا (۱۳۹۴ش)، بررسی میزان تأخیر در انتشار مقالات مجلات علمی پژوهشی سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی، تحقیقات دامپزشکی و فرآورده‌های بیولوژیک، شماره ۲۸ (۳).
- بیدختی، حسین (۱۳۹۳ش)، نقش فرآیند داوری بر بهبود کیفیت نگارش مقالات منتشر شده در مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، مجله دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، شماره ۲۱ (۳).
- پاشایی‌زاد، حسین (۱۳۹۰ش)، مطالعه وضعیت نشر مجلات علمی در ایران، فصلنامه تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، پیاپی ۶۴، بهار.
- تقوی، سید محمدرضا (۱۳۹۹ش)، نقدی بر کتاب روش شناسی مطالعات دینی (تحریری نو) پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره ۲۰ (۵).
- جمالی‌نسب، زاهد (۱۳۹۸ش)، بررسی بوروکراسی و چالش‌های آن در ایران، چهارمین کنفرانس ملی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد.
- حاجی‌خانی، علی (۱۳۹۵ش)، نقد و بررسی عناوین مقالات پژوهشی رشته «علوم حدیث» از منظر روش شناسی تحقیق (مطالعه موردی مجله علوم حدیث)، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پیاپی ۴۳.
- حسن‌زاده، محمد (۱۳۸۹ش)، بررسی موانع ایجاد دسترسی آزاد مجلات علمی - پژوهشی ایران از دید ناشران، کتابداری و اطلاع‌رسانی، سال ۱۳، شماره ۱ پیاپی ۴۹، بهار.
- حمید قاسمی، بهمن‌سگری (۱۳۹۵ش)، تأخیر نشر در نشریات علمی - پژوهشی گرایش‌های تربیت بدنی، پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، شماره ۵ (۱).
- خاصه، علی‌اکبر (۱۳۹۵ش)، بررسی جایگاه مطالعات قرآنی در تولید علم جهانی با استفاده از فنون علم‌سنجی، مطالعات قرآنی، شماره ۷ (۲۸).

- دلبری، سید علی (۱۳۹۸ش)، اعتبارسنجی خبر واحد در روایات اعتقادی، *مطالعات فهم حدیث*، شماره ۵ (۲).
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۶ش)، قرآن و علوم انسانی، *فصلنامه کلام اسلامی*، پیاپی ۱۰۲.
- عباس‌پور، جواد (۱۳۹۵ش)، ارزیابی بخش راهنمای نویسندگان نشریات علمی- پژوهشی ایران، *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، شماره ۳۱ (۳).
- عرفان‌منش، محمدمبین (۱۳۹۶ش)، تأخیر در انتشار مجله‌های علمی: مطالعه نشریات مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران، *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، شماره ۳۳ (۱).
- عسکری، صادق (۱۳۸۹ش)، نقدی بر انتخاب موضوع و عنوان مقاله در مجلات علمی- پژوهشی زبان و ادبیات عربی، *زبان و ادبیات عربی*، شماره ۱ (۲).
- فاطمه آجیلی، و سیمین حاجی (۱۳۹۶ش)، بررسی ویژگی‌های ظاهری، ساختاری و محتوایی وب سایت‌های نشریات علمی - پژوهشی ایران، *تحقیقات اطلاع رسانی*، دوره ۲۳، شماره ۲.
- فتاحی، رحمت الله (۱۳۹۱ش)، افزایش دانشجویان تحصیلات تکمیلی و مساله چاپ مقاله‌های برگرفته از پایان نامه، *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، سال ۲۷، شماره ۴.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۰ش)، روش شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی
- محمد ابراهیمی‌پور، میرحسینی (۱۳۸۵ش)، عوامل موثر بر چاپ مقالات علمی در نشریات علمی پژوهشی (داخلی و خارجی) از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد، *پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت*، شماره ۰۷ (۱).
- نجف‌بیگی، رضا (۱۳۹۸ش)، سازمان و مدیریت، تهران: کتاب مهربان.
- نوکاریزی، محسن (۱۳۹۳ش)، بررسی کیفیت ساختاری مقالات منتشر شده در مجلات علمی - پژوهشی علوم پزشکی ایران در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۱، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره ۲۱، شماره ۱.
- ورع، نرجس (۱۳۹۴ش)، بررسی وضعیت و نرخ رشد مجلات علمی در ایران (طی بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۸)، *رهیافت*، شماره ۲۵ (۶۰).
- (۱۳۹۹ش)، سامانه اطلاعات پژوهشی ایران، در سامانه رتبه‌بندی نشریات علمی کشور.
- (۱۳۹۷ش)، سایت موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- (۱۳۹۹ش)، فهرست نشریات علمی- پژوهشی و علمی- ترویجی سابق تا اردیبهشت ۹۸، دبیرخانه کمیسیون بررسی نشریات علمی.

- (۱۳۹۸ش)، آیین‌نامه نشریات علمی، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، مصوب ۹ اردیبهشت ۱۳۹۸ش، ماده ۷، شرایط نشریه
- (۱۳۹۵ش)، دستورالعمل اجرایی آئین‌نامه خدمت موظف و اعطای ترفیع اعضای هیأت علمی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۹۵ش، جدول پیوست.